



تحلیل  
صبا از منازعه  
مجازی محسن  
تتابنده و حسن  
رحیم پورازغدی

## آقایان! بوستان و گلستان سعدی بخوانید

جای ترویج فرهنگ گفت‌وگو، به بستری برای حمله، تحقیر و توهین تبدیل شده است.

در ماجرای اخیر، آقای رحیم پور ازغدی، در برنامه‌های رسمی و از تریبون رسانه ملی، منتقدان به وضع موجود را با عباراتی چون «حیوان» توصیف می‌کند اگر چه بی‌آن که نام ببرد، اما با لحنی که مخاطب را به وضوح مشخص می‌کند. این نوع سخن گفتن نه تنها خلاف اخلاق اسلامی و انسانی است، بلکه نقض آشکار شأن رسانه‌ای است که با بودجه عمومی اداره می‌شود.

رسانه ملی باید صدای همه مردم باشد، نه بلندگوی یک سوپه برای تحقیر منتقدان. وقتی فردی از جایگاه رسمی، بدون امکان پاسخ‌گویی طرف مقابل، به توهین و برچسب‌زنی متوسل می‌شود، اعتماد عمومی به رسانه آسیب می‌بیند. این رفتارها نه نقد است، نه روشنگری؛ بلکه نوعی خشونت کلامی است که فضای گفت‌وگو را مسموم می‌کند.

برای درک اهمیت موضوع بهتر است رجوع کنیم به سخن امام علی (ع) در نهج‌البلاغه. امیرالمومنین هشدار می‌دهند: «زبان، درنده‌ترین حیوان است؛ اگر رهایش کنی، می‌درد.»

آیا رسانه‌ای که داعیه فرهنگ اسلامی دارد، نباید پیش از هر چیز، زبان خود را مهار کند؟ آیا نباید به جای تریبون دادن به کسانی که اخلاق را زیر پا می‌گذارند، بستری برای گفت‌وگو و محترمانه و پاسخ‌گویی فراهم آورد؟

رسانه ملی باید به یاد داشته باشد که قدرت تریبون، مسئولیت می‌آورد. اگر این مسئولیت با اخلاق همراه نباشد، رسانه از جایگاه فرهنگی خود سقوط می‌کند و به ابزار تخریب بدل می‌شود. مردم ایران، با هر دیدگاه و گرایش، شایسته رسانه‌ای هستند که به شعورشان احترام بگذارد، نه آن‌که با توهین و تحقیر، صدای اعتراضشان را خاموش کند.

### سعدی بخوانید!

لب کلام، محسن تتابنده و حسن رحیم پور ازغدی، هر دو از چهره‌های اثرگذارند؛ یکی با زبان هنر، دیگری با زبان اندیشه. اما آن چه در این روزها میانشان رد و بدل شد، نه هنر بود و نه اندیشه؛ بلکه زخمی بود بر پیکر گفت‌وگوی عمومی. سعدی، قرن‌ها پیش نوشت: «حذر کن ز نادان دم‌مرده گوی / چو دانا یکی گوی و پرورده گوی» و باز گفت: «تواضع کن ای دوست با خصم تند / که نرمی کند تیغ برنده کند» بیایید به جای جدل، به گفت‌وگو بازگردیم. به جای تحقیر، به تأمل. به جای تند، به تربیت کلام. خواندن سعدی، نه فقط برای لذت ادبی، بلکه برای پالایش روح و اصلاح زبان است. شاید اگر هر دو بزرگوار، چند صفحه از بوستان یا گلستان را با دقت بخوانند، گفتارشان گلستان شود.

برای نقد و پاسخ، رواج دوقطبی‌سازی رسانه‌ای به جای پل‌سازی اجتماعی و بی‌توجهی به اخلاق شنیدن و پاسخ‌گویی، جامعه‌ای که نقد را با توهین پاسخ می‌دهد، نه تنها گفت‌وگو را از دست می‌دهد، بلکه امید به اصلاح را نیز تضعیف می‌کند. این منازعه نه دعوی شخصی، بلکه آینه‌ای از وضعیت گفت‌وگوی ماست. بازگشت به اخلاق، انصاف و ادب، ضرورتی است که اگر جدی گرفته نشود، هزینه‌های اجتماعی‌اش سنگین‌تر از آن خواهد بود که تصور می‌کنیم.

### هشدار درباره دوقطبی‌سازی

از تاثیر اجتماعی و فرهنگی این جدل هم نباید غافل شد. وقتی دو چهره شناخته‌شده با دیدگاه‌های متفاوت وارد منازعه می‌شوند، جامعه به سرعت به دو قطب تقسیم می‌شود؛ موافقان و مخالفان. این قطبی‌سازی می‌تواند گفت‌وگوهای سالم را به تقابل‌های احساسی بدل کند. از سوی دیگر وقتی چهره‌های فرهنگی یا فکری به جای تعامل سازنده، درگیر جدال‌های شخصی می‌شوند، اعتماد عمومی به نخبگان و روشنفکران آسیب می‌بیند. مردم ممکن است احساس کنند که دغدغه‌های واقعی‌شان نادیده گرفته شده‌اند.

رهبر انقلاب هم بارها درباره دوقطبی‌سازی و بداخلاقی سیاسی هشدار داده‌اند. ایشان در دیدار با اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، فرمودند: «من بارها گفته‌ام: ظلم نکنیم... گاهی یک کلمه‌ی نابجا علیه کسی که مستحقش نیست، یک نوشته‌ی نابجا، یک حرکت نابجا، ظلم محسوب می‌شود... منصف باشیم؛ عادل باشیم. این‌ها وظایف ماست. این جور نیست که چون انقلابی هستیم، حق داریم درباره دیگران هرچه خواستیم بگوییم.»

رهبر انقلاب، با تأکید بر «قول سدید»، «انصاف»، و «پرهیز از ظلم»، معیارهایی روشن برای گفت‌وگوی سالم و اخلاق‌مدار ارائه کرده‌اند. این معیارها، به‌ویژه برای کسانی که از تریبون‌های رسمی مانند رسانه ملی سخن می‌گویند، الزام‌آور است. استفاده از الفاظ توهین‌آمیز مانند «حیوان» برای منتقدان، نه تنها خلاف اخلاق اسلامی است، بلکه بی‌اعتنایی به توصیه‌های صریح رهبری درباره حفظ حرمت گفتار در فضای عمومی است.

### نقدی بر رسانه ملی

رسانه ملی، به عنوان نهادی عمومی و متعلق به همه مردم ایران، وظیفه‌ای فراتر از اطلاع‌رسانی دارد؛ باید الگوی گفت‌وگوی سالم، اخلاق‌مدار و منصفانه باشد. اما متأسفانه در سال‌های اخیر، بارها شاهد آن بوده‌ایم که این رسانه به

ماجرای پست انتقادی تتابنده در اینستاگرام آغاز شد؛ او با زبانی طنزآلود و تلخ، به شرایط دشوار معیشتی مردم و ناکامی‌های تاریخی در تحقق رفاه اجتماعی اشاره کرد. این سخنان با واکنش تند رحیم پور ازغدی در تلویزیون همراه شد که بدون نام بردن از تتابنده، گفت: «هرچقدر بشر جلوتر آمده، حیوان‌تر و وحشی‌تر شده است» - جمله‌ای که بسیاری آن را پاسخی غیرمستقیم و توهین‌آمیز تلقی کردند. تتابنده نیز در پاسخ، از لحن پرخاشگرانه و غیرمنصفانه ازغدی انتقاد کرد و نوشت: «چرا باید یک اعتراض و یک خواسته به حق با چنین برخوردی مواجه شود؟ آن هم از سوی کسی که داعیه فرهنگ دارد...»



مهدی علیپور  
معاون سردبیر صبا

این کشمکش البته با جوابیه دفتر رحیم پور ازغدی ادامه پیدا کرد. دفتر او در واکنش به انتقادات رسانه‌ای و سخنان محسن تتابنده، بیانه‌ای منتشر کرد و مدعی شد که کلیپ منتشرشده از سخنان ازغدی «مونتاز شده» و «تحریف شده» بوده است. در بخشی از متن، با لحنی کنایه‌آمیز خطاب به تتابنده گفته شد: «قبل از نوشتن متن‌های اینستاگرامی برای خوشامد این و آن، تتابنده حتماً با «هما خانم» مشورت کند که غلش بیشتر است! تتابنده نیز در واکنش، متنی منتشر کرد که در آن با طعنه به توصیه ازغدی، نوشت: «به فرموده و توصیه‌ی جناب‌شان در بند سوم، به هما خانم ماجرا را گفتیم... ایشان نیز گفتند که استنباط من از این جوابیه، یک «غلط کردم» ساده است که نمی‌دانم چرا این چنین طولانی شده.»

### پاسخ‌گویی محترمانه و پرهیز از برچسب‌زنی

در روزهایی که جامعه ایرانی پیش از هر زمان دیگری نیازمند گفت‌وگو سازنده و همدلانه است، منازعه اخیر میان محسن تتابنده، بازیگر و حسن رحیم پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، بار دیگر پرسشی بنیادین را پیش روی ما گذاشت: آیا هنوز می‌توان در فضای عمومی ایران، نقد را شنید و با احترام پاسخ داد؟

در فرهنگ اسلامی و ایرانی، گفت‌وگو بر پایه ادب، انصاف و پرهیز از خشونت کلامی بنا شده است. آموزه‌های دینی ما بارها بر شنیدن نقد، پاسخ‌گویی محترمانه، و پرهیز از برچسب‌زنی تأکید کرده‌اند. رهبر انقلاب هم بارها هشدار داده‌اند که مخالفت با یک فرد یا جریان، نباید ما را از جاده انصاف خارج کند.

با این حال، آنچه در این منازعه رخ داد، نشان داد که فضای گفت‌وگوی عمومی در ایران با بحران‌هایی جدی مواجه است از جمله فقدان تریبون‌های مساوی



نویسنده و کارگردان:  
مجید اسماعیلی

تهیه‌کننده:  
مجتبی امینی